



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۳

مصادف با: ۱۱ رجب ۱۴۳۵

جلسه: ۲۷

موضوع کلی: بررسی وثاقت بعضی روایات مورد اختلاف

موضوع جزئی: ۶- داوود بن کثیر رقی

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

۶- داوود بن کثیر رقی

نزدیک به ۸۰ روایت از او در کتب اربعه نقل شده است. اقوال پیرامون وثاقت او مختلف است، بعضی مثل مرحوم علامه او را توثیق کرده و اخذ به روایت او را مرجح دانسته است.^۱ بعضی او را ضعیف دانسته و بعضی هم مثل شهید در مورد او توقف کرده‌اند.^۲ معمولاً کسانی که در مورد آنها از حیث وثاقت و عدم وثاقت اختلاف واقع می‌شود سه وجه در مورد آنها وجود دارد: گروهی آنها را توثیق کرده، عده‌ای دیگر آنها را ضعیف می‌دانند و عده‌ای هم در مورد آنها توقف می‌کنند.

ادله وثاقت داوود بن کثیر رقی:

دلیل اول: وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی.^۳

نام داوود بن کثیر در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی وارد شده و این دلالت بر وثاقت او می‌کند.

دلیل دوم: روایت اجلاء از او

بعضی از اصحاب اجماع مثل حسن بن محبوب، یونس بن عبدالرحمن، ابان بن عثمان و ابن ابی عمیر از او روایت نقل کرده‌اند.^۴ و نقل اجلاء از او حاکی از وثاقت اوست.

دلیل سوم: مدح بعضی از اعلام علم رجال

۱- کشی درباره داوود بن کثیر رقی گفته: «و لم اسمع احداً من مشایخ العصابة یطعن فیه و لا عثرت من الروایة علی شیء غیر ما اثبتته فی هذا الكتاب»^۵؛ من ندیدم کسی از مشایخ اصحاب درباره او به طعن سخن گفته باشد و روایاتی هم از او هست که من در این کتاب آورده‌ام. البته کشی در همین مقام می‌گوید: بعضی از عقاید دال بر غلو به او نسبت داده شده ولی من ندیدم کسی او را مورد طعن قرار دهد.

۲- شیخ مفید در ارشاد تصریح می‌کند به اینکه داوود از کسانی است که به امامت علی بن موسی الرضا (ع) از ناحیه پدرش تصریح کرده و او را اهل ورع و علم و فقه از شیعیان دانسته است.^۶

۳- شیخ صدوق در مشیخه خودش از امام صادق (ع) روایتی را درباره داوود نقل کرده که حضرت (ع) فرموده‌اند: «انزلوا داوود الرقی منزلة المقداد».^۷

۱. رجال علامه، ص ۶۸.
 ۲. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۱.
 ۳. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۳۰۰.
 ۴. معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۳۰.
 ۵. رجال کشی، ج ۲، ص ۷۰۸.
 ۶. الارشاد، ص ۳۰۴.
 ۷. مشیخه من لایحضره الفقیه، ص ۹۹.

۴- شیخ طوسی به وثاقت داوود رقی تصریح کرده و ضمن اینکه او را از اصحاب امام کاظم (ع) برشمرده فرموده: «داوود بن کثیر رقی مولی بنی اسد ثقة و هو من اصحاب ابی عبدالله (ع)»^۱

دلیل چهارم: روایات مادحه

روایت اول: شیخ صدوق از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت درباره داوود رقی فرمودند: «انزلوا داوود الرقی منزلة المقداد»^۲.

روایت دوم: مرفوعه ابی عبدالله البرقی، قال: نظر ابو عبدالله (ع) الی داوود الرقی و قال: «و قد والله من سرّه أن ينظر الی رجل من اصحاب القائم (ع) فلينظر الی هذا»^۳.

روایت سوم: خود داوود بن کثیر رقی می‌گوید: قال لی ابو عبدالله (ع): «یا داوود اذا حدّثت عنا بالحديث واشتهرت به فانكره»^۴.

روایت چهارم: روایتی دیگر که سنداً هم صحیح است در اختصاص نقل شده که منزله داوود منزله مقداد قلمداد شده است، عبدالله بن مفضل هاشمی می‌گوید: «كنت عند الصادق جعفر بن محمد (ع) اذ دخل مفضل بن عمر فلما بصر به ضحك اليه ثم قال: الی یا مفضل فو ربی انی احبک و احب من یحبک قال: فما منزلة داوود بن کثیر رقی منکم؟ قال (ع): منزلة مقداد بن اسود من رسول الله (ص)»^۵؛ من نزد جعفر بن محمد (ع) بودم که مفضل بن عمر وارد شد حضرت (ع) فرمودند: یا مفضل من تو و دوستانان تو را دوست دارم، مفضل گفت: منزلت داوود رقی نزد شما چگونه است؟ حضرت (ع) فرمودند: مانند منزلت مقداد است نزد رسول اکرم (ص).

بررسی ادله:

در مجموع چهار دلیل بر وثاقت داوود بن کثیر رقی اقامه شده، حال باید ببینیم آیا این ادله مورد قبول است یا نه؟ در مورد دلیل اول (وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی) سابقاً گفتیم اگر راوی در بخش اول این تفسیر واقع شده باشد دلیل بر وثاقت او می‌باشد اما اگر در بخش دوم این تفسیر واقع شده باشد دلیل بر وثاقت نیست و داوود بن کثیر رقی هم در بخش دوم این تفسیر ذکر شده لذا وقوع در اسناد این تفسیر نمی‌تواند وثاقت او را ثابت کند.

روایت اجلاء از جمله اصحاب اجماع و کسانی مثل حسن بن محبوب، ابن فضال، یونس بن عبدالرحمن به تنهایی دال بر وثاقت نیست هر چند می‌تواند به عنوان مؤید قلمداد شود. اما روایت ابن ابی عمیر از داوود رقی می‌تواند وثاقت داوود را ثابت کند، چون ابن ابی عمیر از مشایخ ثاقت است که «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة».

اما از بین کلام بزرگانی که درباره داوود رقی وارد شده هر چند سخن شیخ مفید، شیخ صدوق و کشی دال بر وثاقت داوود نمی‌باشد ولی شیخ طوسی به وثاقت داوود تصریح کرده لکن مشکل این است که در مقابل این تصریح، بزرگانی را داریم که او را تضعیف کرده‌اند؛ مثلاً نجاشی درباره او می‌گوید: «و هو یکنی ابا سلیمان ضعیف جداً و الغلات تروی عنه... قال احمد بن

۱. رجال شیخ، ص ۳۴۹.

۲. مشیخه من لایحضره الفقیه، ص ۹۹.

۳. رجال کشی، ج ۲، ص ۷۰۴.

۴. همان، ص ۷۰۸.

۵. الاختصاص، ص ۲۱۱.

عبد الواحد قلّ ما رأيتَه حديثاً سديداً^۱. همچنین ابن غضائری هم او را به ضعف در روایت متهم کرده و می‌گوید: «کان فاسد المذهب ضعيف الرواية لا يلتفت اليه»^۲.

به هر حال کلمات اعلام رجال عمدتاً تصریح به وثاقت داوود بن کثیر رقی ندارد و فقط شیخ طوسی او را توثیق کرده است. اما روایات مادحه‌ای که درباره داوود رقی وارد شده یک مشکل عمده دارد که ضعف سندی آنهاست، روایتی که از ابی عبدالله برقی نقل شد مرفوعه است، روایتی هم که از خود داوود بن کثیر رقی نقل شد هم اشکال ارسال دارد و هم اینکه از خود داوود در شأن خودش نقل شده و شهادت کسی در مورد خودش مورد قبول نیست. روایتی هم که در اختصاص نقل شده اگر چه سنداً صحیح است لکن معلوم نیست اصل این کتاب متعلق به شیخ مفید باشد لذا با توجه به اینکه انتساب این کتاب به شیخ مفید روشن نیست نمی‌توان به آن استناد کرد. پس در بین روایات هم روایت قابل اعتماد و محکمی از نظر سندی وجود ندارد مگر روایتی که در اختصاص نقل شده که اگر از اشکالی که در انتساب این کتاب به شیخ مفید وجود دارد صرف نظر کنیم می‌توان گفت این روایت که منزلت داوود نزد امام (ع) را منزلت مقداد نزد رسول اکرم (ص) معرفی می‌کند می‌تواند وثاقت داوود بن کثیر رقی را ثابت کند.

نتیجه: با توجه به روایت ابن ابی عمیر از داوود رقی، توثیق شیخ طوسی درباره او و روایتی که در کتاب اختصاص در منزلت او نقل شده می‌توان گفت اجمالاً این ادله قابل قبول است و وثاقت داوود بن کثیر رقی را ثابت می‌کند. لکن عرض کردیم در مقابل اینها تضعیف نجاشی و ابن غضائری را داریم که داوود را تضعیف کرده‌اند، اما باید بگوییم به تضعیف ابن غضائری اعتناء نمی‌شود چون ابن غضائری کثیراً اشخاصی را تضعیف کرده و عمده دلیل او بر تضعیف هم این بوده که آنها را متهم به غلو می‌کرده است لذا عموماً به تضعیفات ابن غضائری توجهی نمی‌شود. در رابطه با تضعیف نجاشی هم چون در مقابل آن، بعضی دیگر مثل شیخ طوسی به وثاقت داوود بن کثیر رقی تصریح کرده‌اند و اشخاصی مثل ابن ابی عمیر هم که از مشایخ ثقات هستند از او روایت کرده‌اند می‌توان گفت جانب وثاقت بر جانب ضعف ترجیح دارد. البته مرحوم آقای خویی در مورد داوود بن کثیر رقی توقف کرده ولی به نظر می‌رسد جانب وثاقت را می‌توان ترجیح داد، چون عمده مشکلی که درباره داوود وجود دارد اتهام غلو اوست که عرض کردیم این اتهام پذیرفته نیست خصوصاً اگر از طرف ابن غضائری مطرح شده باشد. لذا می‌توان گفت ادله وثاقت داوود رقی بر ادله ضعف رجحان دارد.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۶۱.
۲. مجمع الرجال، ج ۲، ص ۲۹۰.